



Socio-Demographic Correlates of Unpaid Care in urban areas of Iran: Evidences from 2019-2020 Time Use Survey

Fatemeh Torabi¹ | Kazem Saravani²

1. Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: fatemeh_torabi@ut.ac.ir

2. Corresponding author, Department of Demography Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: kazem.saravani@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 25 December 2021
Received in revised form: 10 August 2022
Accepted: 14 September 2022
Published online: 11 April 2023

Keywords:
Time Use, Unpaid Care, children, Adults, Sandwich Generation, Iran.

The issue of family care or unpaid care has been investigated in internal studies primarily from the perspective of care received by the elderly, and no attempt has been made to identify the factors affecting the provision of this type of care and the characteristics of caregivers on a national level.

This is a secondary analysis based on data from the 2019-2020 Iran's Time Use Survey. The statistical population of the time-use survey includes all people aged 15 and older residing in urban households, and the data encompasses all daily activities as well as economic and social variables at the individual and household levels.

The most prevalent type of care in the sample, according to the findings, was unpaid child care (73%), followed by adult care (18%) and sandwiched care (5%). Gender was the most influential factor on the quantity of time allocated to daily care; even after adjusting for other independent variables, women still spent more time than men caring for family members. However, this disparity is reduced in geriatric care. Child care provision peaks during childbearing years for both men and women and declines with age, so that adult care (most likely spouses) becomes the predominant form of care in old age.

The low prevalence of sandwiched care and the pattern of inter-spouse adult care in the sample can be attributed to the relatively youthful population structure and the lack of intergenerational living arrangements in Iran's urban areas. However, the significant gender disparity in child care appears to be one of the potential obstacles to the realization of the gender dividend in Iran. Given the economic significance of providing unpaid activities at the household level and the impact of socio-demographic dynamics on such activities, the findings of the present study can be utilized to enhance the existing body of knowledge and future policy formulation in this area.

Cite this article: Torabi, F., & Saravani, K. (2023). Socio-Demographic Correlates of Unpaid Care in urban areas of Iran: Evidences from 2019-2020 Time Use Survey. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (1),105-127. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.336237.1268>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.336237.1268>

**عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی مرتبط با مراقبت غیردستمزدی در مناطق شهری ایران:****شواهدی از پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹)**فاطمه ترابی^۱ | کاظم سراونی^۲۱. گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fatemeh_torabi@ut.ac.ir۲. نویسنده مسؤل، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: kazem.saravani@ut.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
موضوع مراقبت‌های خانوادگی یا غیردستمزدی در مطالعات داخلی از جنبه مراقبت‌های دریافتی از سوی سالمندان بررسی شده و تاکنون تلاشی برای شناسایی عوامل مؤثر بر ارائه این نوع مراقبت‌ها و ویژگی‌های مراقبان در سطح ملی صورت نگرفته است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی عوامل اجتماعی-جمعیتی مرتبط با مقدار زمان اختصاص‌یافته افراد به مراقبت غیردستمزدی از کودکان، بزرگسالان و هر دو گروه (ساندویچی) در مناطق شهری کشور پرداخته است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی
این مقاله تحلیلی ثانویه است و داده‌ها برگرفته از موج سوم پیمایش گذران وقت در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱/۲۲
شایع‌ترین نوع مراقبت مختص به کودکان (۷۳ درصد) است و سهم مراقبت از بزرگسالان (۱۸ درصد) و مراقبت‌های ساندویچی (۵ درصد) در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مجموع مؤثرترین عامل، مربوط به متغیر جنس بود و زنان در مقایسه با مردان با اختلاف، زمان بیشتری را صرف مراقبت از اعضای خانوار کرده‌اند؛ هرچند این شکاف در مراقبت از بزرگسالان به حداقل می‌رسد. مراقبت از کودکان در سنین فرزندآوری برای زنان و مردان به اوج می‌رسد، اما با افزایش سن کاهش می‌یابد تا اینکه در سال‌های پایانی عمر، مراقبت از بزرگسالان (به احتمال زیاد همسران) نوع غالب مراقبت است.	واژه‌های کلیدی: ایران، بزرگسالان، کودکان، گذران وقت، مراقبت غیردستمزدی، نسل ساندویچی
با توجه به اهمیت اقتصادی ارائه مراقبت‌های غیردستمزدی در سطح خانوار و شکاف جنسیتی چشمگیر در مراقبت از کودکان که یکی از موانع احتمالی تحقق سود جنسیتی در ایران است، تحقیق حاضر می‌تواند به تعمیق دانش موجود و سیاست‌گذاری‌های آتی در این زمینه کمک کند.	

استناد: ترابی، فاطمه؛ سراونی، کاظم. (۱۴۰۱). عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی مرتبط با مراقبت غیردستمزدی در مناطق شهری ایران: شواهدی از پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*, ۲(۱), ۱۰۵-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.336237.1268>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.336237.1268>

۱. مقدمه و طرح مسئله

در دنیای امروز حمایت و مراقبت از افراد نیازمند در خلأ شکل نمی‌گیرد و کنشی تنها مرتبط با علاقه و احترام افراد به یکدیگر محسوب نمی‌شود؛ در واقع مراقبت غیردستمزدی یا خانوادگی واکنشی به وقایع اساسی اجتماعی و جمعیتی جامعه نیز به‌شمار می‌آید. طی دهه‌های اخیر، مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی-جمعیتی در سطح جهان اهمیت نظام‌های حمایتی غیررسمی را، که خانواده و خویشاوندان هستند، بیش‌ازپیش آشکار کرده است. این تغییرات از یک سو افزایش چشمگیر جمعیت سالمند و تقاضا برای مراقبت را در پی داشته و از سوی دیگر با مظاهری مانند کاهش بعد خانوار و عمودی‌شدن ساختار خانواده^۱، شبکه‌های حمایتی غیررسمی افراد را کوچک‌تر کرده است (ولف، ۱۹۹۴؛ بنگستون و همکاران، ۱۹۹۰؛ ویمرز و بیانچی، ۲۰۱۵). اصطلاح عمودی‌شدن ساختارهای خانواده را برخی محققان در توصیف تغییرات ایجادشده در شکل و اندازه شبکه خویشاوندی به‌کار برده‌اند که به معنای شیوع روزافزون خانواده‌های دارای سه، چهار یا حتی پنج نسل زنده است (بنگستون و همکاران، ۱۹۹۰). این دگرگونی در مقابل ساختار هرمی شکل سابق قرار می‌گیرد؛ یعنی برخلاف گذشته که تعداد اعضای نسل جوان‌تر از اعضای نسل مسن‌تر بیشتر بوده‌اند، خانواده‌های امروزی چندین نسل هم‌اندازه دارند و البته از قبل کوچک‌تر هستند (همان). نتایج مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد توانایی حمایت و مراقبت از اعضای نیازمند مانند کودکان و سالمندان در بستر خانواده، به‌شدت از ساختارهای چندنسلی خانواده‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ یعنی اینکه چه تعداد والدین سالخورده، فرزند و نوه وابسته در خانواده حضور دارند؛ بنابراین یکی از جنبه‌های مهم مراقبت غیردستمزدی این است که چگونه زمان و سایر منابع در اختیار فرد مراقب، بین نیازهای هم‌زمان دو یا چند نسل توزیع می‌شود (پاترسون و مارگولیس، ۲۰۱۹).

انتقالات زمانی در کار مراقبت بدون مزد^۲، که به دو بخش مراقبت غیرمستقیم (مدیریت خانه) و مراقبت مستقیم از اعضای خانوار تقسیم می‌شود، از جنبه اقتصادی بسیار مهم هستند. از نظر ریلی و بوون (۲۰۰۵) انتقالات غیرپولی (زمانی) بین نسل‌ها به دو دلیل چشمگیر هستند؛ اول اینکه کار غیردستمزدی مرتبط با این انتقالات، ارزش اقتصادی پنهان و حساب‌نشده تولید می‌کند و دوم اینکه این انتقالات، ظرفیت افراد در اشتغال به کار دستمزدی را کاهش می‌دهد و به‌طور بالقوه از مشارکت آن‌ها در نیروی کار می‌کاهد. این اهمیت سبب می‌شود مقوله کار مراقبت بدون مزد به تحلیل‌های مرتبط با سود جمعیتی^۳ اضافه شود (دان‌هاور، ۲۰۱۹). در واقع تلاش جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان در این زمینه پوشش برخی کاستی‌ها و کلی‌نگری‌های مربوط به تحلیل‌های سنتی سود جمعیتی است که رابطه تغییرات جمعیتی با پیامدهای مثبت اقتصادی را تنها براساس نسبت‌های وابستگی^۴ تبیین می‌کنند (همان).

براساس نتایج کلی آخرین مرحله پیمایش گذران وقت در ایران (۱۳۹۸-۱۳۹۹) که مرکز آمار ایران منتشر کرده است، گروه فعالیت‌های مربوط به خدمات مراقبتی بدون مزد برای اعضای خانوار در مناطق شهری ایران به‌طور متوسط حدود ۲۵ دقیقه از وقت روزانه مردان و زنان نمونه مدنظر را شامل می‌شود که این میانگین برای زنان حدود ۳۸ دقیقه و برای مردان حدود ۱۲ دقیقه بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹ الف). این گزارش جزئیات بیشتری درباره نوع مراقبت‌های ارائه‌شده و همچنین سایر ویژگی‌های افرادی که به این‌گونه فعالیت‌ها می‌پردازند ارائه نمی‌کند و تنها تفاوت‌های جنسیتی به‌طور کلی برای همه فعالیت‌های مراقبتی گزارش شده

1. Verticalisation of family structures
2. Unpaid care work
3. Demographic Dividend
4. Dependency Ratios

است؛ از این رو تفکیک نوع مراقبت و بررسی عوامل اجتماعی-جمعیتی مرتبط با انواع مراقبت غیردستمزدی میان اعضای خانوار می‌تواند چشم‌انداز مناسبی برای تبیین وضعیت فعلی روندهای مربوط به مراقبت غیررسمی و آمادگی برای تغییرات آینده ایجاد کند. این مقاله برای نخستین بار با نگاهی جمعیت‌شناختی به مسئله نسل ساندویچی در ایران و عرضه مراقبت‌های غیردستمزدی هم‌زمان از دو گروه کودکان و بزرگسالان ورود کرده است. مطالعات داخلی پیشین درباره مراقبت‌های غیررسمی گاهی معطوف به مراقبت‌های مربوط به سالمندان بوده‌اند و عوامل مؤثر بر انتقالات مراقبتی را تنها از موضع دریافت‌کنندگان مراقبت (سالمندان) بررسی کرده‌اند (کوشی، ۱۳۸۷؛ قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۷؛ کوشی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ذرتی‌پور، ۱۳۹۱؛ باستانی و ذکریایی سراجی، ۱۳۹۰؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷؛ محمودیان و زرغامی، ۱۳۹۵). این رویکرد سبب می‌شود بسیاری از ویژگی‌های مراقبان غیررسمی مانند سن، تحصیلات، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال یا مراقبت‌های هم‌زمان آن‌ها از سایر اعضای خانواده بررسی نشود و در نتیجه گروهی از افراد که هم‌زمان در کشاکش پاسخگویی به نیازهای دو نسل مختلف قرار می‌گیرند، در تحلیل وارد نشوند. تحقیق حاضر از داده‌های پیمایش گذران وقت ۱۳۹۹-۱۳۹۹ مناطق شهری کشور استفاده کرده است تا خلأ پژوهشی حاضر را پر کند و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. الگوی سنی / جنسی مقدار زمان تخصیص‌یافته به مراقبت غیردستمزدی، به‌ویژه مراقبت‌های ساندویچی و هم‌زمان از کودکان و بزرگسالان در مناطق شهری ایران چگونه است؟
 ۲. تأثیر سایر مشخصه‌های جمعیت‌شناختی در سطح فردی مانند سن، جنسیت، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات در مقدار زمان ارائه مراقبت غیردستمزدی در مناطق شهری ایران چگونه است؟
- به عبارت دیگر تأثیر متغیرهای مذکور را در میان سه گروه مختلف (کسانی که تنها از کودک مراقبت می‌کنند، کسانی که تنها از بزرگسالان مراقبت می‌کنند و کسانی که هم‌زمان از هر دو گروه مراقبت می‌کنند) شناسایی و تبیین کرده‌ایم. این مقاله همچنین با توجه به تغییرات زمان‌بندی برخی وقایع جمعیتی در ایران و تأثیرات بالقوه‌ای که این تغییرات می‌تواند بر روندهای مربوط به مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانواده، به‌ویژه الگوی سنی و جنسی مراقبت به‌جای بگذارند، می‌تواند در ادبیات پژوهشی جمعیت‌شناسی یا به‌طور خاص جمعیت‌شناسی مراقبت غیررسمی^۱ در ایران سهم سازنده‌ای داشته باشد. تغییراتی مانند تأخیر در گذار به زندگی زناشویی یا افزایش سن در اولین ازدواج (سازمان ثبت‌احوال، ۱۳۹۷)، تأخیر در گذار به والدینی یا افزایش سن در اولین فرزندآوری (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۱)، افزایش فاصله‌گذاری زمانی بین مولید (عباسی شوازی، ۲۰۰۹)، افزایش سن طلاق (سازمان ثبت و احوال، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷؛ فروتن، ۱۳۹۲) و تأخیر در گذار به بزرگسالی^۲ یا افزایش سن ترک خانه از سوی فرزندان (عباسی شوازی و بگی، ۱۳۹۹) از جمله مواردی هستند که می‌توانند مستقیم و غیرمستقیم بر مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانوار تأثیر بگذارند.

۲. چارچوب نظری

برای تبیین مراقبت‌های غیردستمزدی باید از تئوری‌های مستقل و البته مرتبط با جنبه بررسی‌شده وام گرفت. براساس چارچوب نظریه همبستگی بین‌نسلی^۳ که بنگستون و رابرتز (۱۹۹۱) ارائه کرده‌اند، انتقالات عملکردی بین نسل‌ها به سه نوع تقسیم می‌شود. اولین و مهم‌ترین مورد، مقدار زمانی است که صرف مراقبت از شخص دیگر می‌شود (مانند مراقبت از کودک یا بزرگسال)، مورد دوم نقل و

1. Demography of informal caregiving
2. Transition to adulthood
3. Intergenerational solidarity theory

انتقالات مالی است (مانند دادن پول یا وام به شخص دیگر) و نوع سوم حمایت عاطفی است که مواردی مانند گوش دادن به مشکلات یا احساسات شخص دیگری را شامل می‌شود (بنگستون و رابرتز، ۱۹۹۱ به نقل از پاترسون و مارگولیس^۱، ۲۰۱۹: ۳)؛ بنابراین از آنجا که هدف تحقیق حاضر به‌طور خاص به زمان اختصاص‌یافته به فعالیت‌های مراقبتی معطوف می‌شود، بهتر است از نظریه‌هایی استفاده کنیم که می‌توانند تفاوت‌های مقدار زمان صرف‌شده در این فعالیت‌ها را در میان گروه‌های مختلف جمعیتی تبیین کنند. در تخصیص زمان به فعالیت‌های غیردستمزدی (کار خانگی و مراقبت) اختلافات جنسیتی فاحشی به‌چشم می‌خورد و در واقع می‌توان گفت یکی از انگیزه‌های اصلی شکل‌گیری پیمایش گذران وقت، نشان‌دادن تفاوت الگوهای گذران وقت در زمینه‌های مختلف بین زنان و مردان بوده است؛ از این رو جای تعجب نیست که محدود نظریات شکل‌گرفته در این حوزه به‌دنبال تبیین تفاوت‌های جنسیتی باشد. این نظریات در دو سطح فردی و کلان ارائه شده‌اند که در اینجا رویکرد سطح فردی یعنی دسترسی زمانی^۲ و منابع نسبی^۳ مطرح می‌شوند:

رویکرد دسترسی زمانی: این رویکرد تقسیم وظایف خانگی و تخصیص زمان به آن را نتیجه فرایندی عقلانی تبیین می‌کند که در آن کارهای خانه با توجه به زمان در دسترس هریک از اعضای خانواده انجام می‌شود؛ از این رو تفاوت‌های جنسیتی در کار خانگی با مشارکت زنان و شوهران در کار غیرخانگی ارتباط دارد (هیلر^۴، ۱۹۸۴، به نقل از ترابی، ۱۳۹۹ الف). براین اساس مواردی مانند وضعیت اشتغال، برنامه‌ها و ساعات کاری و همچنین حضور و تعداد فرزندان در خانواده می‌توانند شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری محدودیت زمانی در نظر گرفته شوند (همان).

رویکرد منابع نسبی: براساس این رویکرد، تخصیص زمان به کارهای خانگی با توجه به سطح منابع نسبی در اختیار اعضای خانوار تعیین می‌شود. این رویکرد بیان می‌کند با توجه به مطلوبیت پایین کارهای خانگی (و مراقبت غیردستمزدی) در مقایسه با کار دستمزدی برای افراد، اعضای خانواده از منابع خود استفاده می‌کنند تا مشارکت در این کارها را به حداقل برسانند (بلاد و وولف^۵، ۱۹۶۰ به نقل از ترابی، ۱۳۹۹ الف). براین اساس متغیرهایی مانند تحصیلات و درآمد می‌توانند تعیین‌کننده باشند. یافته‌های محققان در این زمینه نشان می‌دهد تحصیلات عالی مشارکت مردان در کارهای خانگی و مراقبت از کودکان و بزرگسالان را افزایش می‌دهد و در مقابل سبب مشارکت همسران آن‌ها در این امور می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت تحصیلات شوهران معمولاً منبعی برای کاهش کارهای خانه نیست و از راه‌های دیگری مانند تقویت نگرش‌های جنسیتی برابری طلبانه و تعدیل تقسیم کار خانگی به افزایش مشارکت آنان در کار خانگی می‌انجامد (ترابی، ۱۳۹۹ الف؛ ترابی، ۱۳۹۹ ب).

۳. پیشینه تحقیق

مسئله مراقبت‌های غیردستمزدی یا غیررسمی در بسیاری از مطالعات اجتماعی و جمعیت‌شناختی بررسی شده است. برای این مفهوم تعاریف متفاوتی در منابع مختلف یافت می‌شود. برخی محققان مراقبت را با توجه به انواع وظایف خواسته‌شده یا انجام آن‌ها مانند کمک در مراقبت‌های پزشکی یا انجام کارهای روزمره تعریف کرده‌اند (لوپز اورتگا^۶، ۲۰۱۴). برخی بر اهمیت جنسیت و نوع رابطه بین دو طرف در تعریف مراقبت تأکید کرده‌اند (راسل، ۲۰۰۷) و برخی چارچوبی بسیار وسیع برای شمول فعالیت‌های مراقبتی

1. Patterson & Margolis
2. time availability
3. relative resources
4. Hiller
5. Blood & Wolfe
6. López-Ortega

در نظر گرفته‌اند و برای مثال کمک‌های پولی را نیز جزء مراقبت به حساب آورده‌اند (آلبرتینی، ۲۰۰۷)، اما همان‌طور که در مقدمه گفته شد، مراقبت‌های چندنسلی و هم‌زمان از اعضای خانواده و خویشاوندان، یا به عبارتی مراقبت‌های ساندویچی نیز در این مطالعات سهم بسیاری داشته‌اند.

در منابع گوناگون، نسل ساندویچی از راه‌های مختلفی تعریف عملیاتی شده است. محققان نیز براساس اهداف پژوهشی رویکردهای متفاوتی برگزیده‌اند؛ البته در این باره تفاوت کمی میان جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان مشاهده می‌شود. تعاریف جامعه‌شناختی از این مفهوم بر موقعیت زنان شاغل تمام‌وقتی دلالت دارد که هم‌زمان ملزم به مراقبت غیررسمی از اعضای خانواده یا سایر بستگان خود هستند (برودی، ۱۹۸۱)؛ درحالی‌که جمعیت‌شناسان معمولاً «ساندویچ‌شدگی»^۱ را وضعیتی می‌دانند که در آن افراد میان فرزندان وابسته و والدین ناتوان (به عبارتی نسل کوچک‌تر و بزرگ‌تر) خود در مضیقه قرار می‌گیرند (البورز گوتییرز و همکاران، ۲۰۲۱: ۲).

برخی از جمعیت‌شناسان نیز دایره شمول این مفهوم را کمی گسترده‌تر دانسته‌اند و به‌طور کلی مراقبت غیررسمی از کودکان و بزرگسالان را معیار قرار داده‌اند (دوخونف و زاگنی،^۲ ۲۰۱۵؛ پاترسون و مارگولیس،^۳ ۲۰۱۹). رویکرد ما در این مقاله به مورد اخیر نزدیک است و مراقبت هم‌زمان برای کودکان و بزرگسالان حاضر در خانوار در شبانه‌روز را معیار این نوع مراقبت در نظر گرفته‌ایم. عوامل اجتماعی-جمعیتی مرتبط با مراقبت‌های غیردستمزدی نیز در مقالات مختلفی کنکاش شده است. در این باره ارتباط متغیرهایی مانند سن، جنس، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات بر روندهای مراقبت نشان داده شده است.

یافته مشترک بیشتر تحقیقات مربوط به الگوی سنی و جنسی مراقبت این است که بیشترین میزان مراقبت غیررسمی از نزدیکان در میانسالی و به کمک زنان انجام می‌شود و تنها در اواخر زندگی، الگوی جنسیتی مراقبت رنگ مردانه به خود می‌گیرد (دالبرگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دوخونف و زاگنی، ۲۰۱۵؛ روبردز و همکاران، ۲۰۱۵؛ آلبرتینی، ۲۰۱۶؛ پاترسون و مارگولیس، ۲۰۱۹). تجارب زناشویی مختلف نیز با مراقبت غیردستمزدی همبسته است. ازدواج افراد و گذار آن‌ها به مرحله والدینی، احتمال قرارگرفتن بین نیازهای فرزندان، والدین سالمند و حتی همسران ناتوان (مراقبت ساندویچی) را برای زنان میانسال افزایش می‌دهد و بیشتر مطالعات این حقیقت را آشکار کرده‌اند (لیما و همکاران، ۲۰۰۸؛ آلبرتینی و همکاران، ۲۰۱۶؛ ورمرز و بیانچی، ۲۰۱۵). از سوی دیگر حمایت‌های مراقبتی دریافتی در سال‌های پایانی عمر گاهی از سوی شوهران صورت می‌گیرد (وونگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۵). از نظر محققان میزان بیوگی بالاتر زنان و آمار بالای ازدواج مجدد مردان سبب می‌شود الگوی جنسیتی مسلط مراقبت بین همسری گاهی مردانه باشد (همان).

چالش میان کار و مراقبت در بسیاری از مطالعات بررسی شده است. به دلیل تقارن دامنه سنی شاغلان و مراقبان غیررسمی بالقوه، افراد شاغلی که ملزم به مراقبت از والدین سالمند، فرزندان خردسال یا مراقبت هم‌زمان از آن‌ها هستند، در تنگناهای زمانی شدیدی قرار می‌گیرند. بیشتر تحقیقات درباره اشتغال و نقش مراقبتی زنان درمورد عواقب ناشی از کناره‌گیری مادران جوان (زنان در سال‌های اولیه پس از فرزندآوری) از بازار کار شکل گرفته است و تمامی آن‌ها تقریباً نتیجه‌گیری مشترکی داشته‌اند: مسئولیت و مراقبت‌های غیردستمزدی مربوط به فرزندآوری به‌طور واضح مانعی جدی برای مشارکت زنان در بازار کار است (دروبنیک^۵، ۲۰۰۰؛ آنزو و همکاران، ۲۰۰۸؛ گش، ۲۰۰۸؛ دوتی سانی و اسکریر، ۲۰۱۸؛ قاضی طباطبائی و مهری، ۱۳۹۲).

1. Sandwichness
2. Dukhovnov & Zagheni
3. Patterson & Margolis
4. Wong
5. Drobic

در ادبیات پژوهشی حوزه مراقبت، تأثیر تحصیلات در مراقبت از کودکان بیشتر مدنظر بوده است و می‌توان گفت تحصیلات با تغییراتی که در ارزش‌ها و هنجارهای فرزندپروری ایجاد می‌کند، سرمایه‌گذاری زمانی در نگهداری از کودکان را افزایش می‌دهد (سایر^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ سالیوان^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ ترابی، ۱۳۹۹ ب). این رابطه درباره مراقبت از بزرگسالان می‌تواند معکوس باشد. مطالعه آلبرتینی (۲۰۱۶) در این باره نشان می‌دهد افزایش تحصیلات فرزندان با کاهش احتمال هم‌سکنایی آنان با والدین همراه است و در نتیجه تحصیلات به صورت غیرمستقیم موجب کاهش انتقالات مراقبتی فرزندان از والدین ناتوان می‌شود.

۴. روش‌شناسی تحقیق

روش استفاده‌شده در این مقاله تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش گذران وقت ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است. این پیمایش را مرکز آمار ایران در چهار موج و در زمستان و پاییز ۱۳۹۸ و بهار و تابستان ۱۳۹۹ با هدف ارائه اطلاعات مربوط به شناخت نوع و مدت‌زمان فعالیت‌های افراد جامعه در نقاط شهری کشور انجام داده است. جمعیت مورد پیمایش در آمارگیری طرح گذران وقت همه افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در خانوارهای شهری کشور بوده‌اند و داده‌ها تمام فعالیت‌های روزانه افراد و همچنین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در سطح فرد و خانوار را شامل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹ الف). حجم نمونه پیمایش گذران وقت در این مرحله، ۳۱۹۰۱ نفر بوده است که از این میان، ۱۶۱۶۱ نفر (۵۰/۶۳ درصد) زن و ۱۵۷۵۰ نفر (۴۹/۳۷ درصد) مرد بوده‌اند. جامعه آماری این تحقیق نیز همه افراد حاضر در پیمایش مدنظر را دربرمی‌گیرد؛ زیرا به‌طور بالقوه هر فرد ۱۵ ساله و بیشتر حاضر در خانوارهای شهری ایران می‌تواند برای سایر اعضای خانوار فعالیت مراقبتی ارائه دهد.

جدول ۱ متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد. متغیر وابسته مقدار زمان اختصاص‌یافته به امر مراقبت غیردستمزدی از اعضای حاضر در خانوار در یک شبانه‌روز بوده است که به سه بخش اصلی مراقبت از کودکان، مراقبت از بزرگسالان و مراقبت هم‌زمان از کودکان و بزرگسالان (مراقبت ساندویچی) تقسیم و به دقیقه تبدیل شده است. این سه متغیر با یکدیگر همپوشانی ندارند؛ یعنی اگر فردی در یک شبانه‌روز به مراقبت از کودکان و بزرگسالان پرداخته باشد، در زمره افرادی قرار نمی‌گیرد که تنها به کودکان یا بزرگسالان خدمات مراقبتی ارائه می‌دهند. همچنین متغیر وابسته مراقبت کل نیز زمان اختصاص‌یافته به این گروه از فعالیت‌ها را در طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌ها برای آمارهای گذران وقت^۳ شامل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹ ب).

تجزیه و تحلیل روابط متغیرها در این پژوهش با تکنیک آماری رگرسیون تابت^۴ و با استفاده از بسته نرم‌افزاری استیتا (نسخه^۵ ۱۶) صورت گرفته است. رگرسیون تابت برخلاف رگرسیون خطی، مقادیر سانسور شده (زمان‌های صفر ثبت‌شده در پیمایش) را تعدیل می‌کند و برآورد دقیق‌تری به ما می‌دهد. ضرایب تعدیل‌نشده رابطه متغیرهای مستقل با مقدار زمان اختصاص داده‌شده به مراقبت غیردستمزدی را نشان می‌دهند. رابطه متغیرهای مستقل با مقدار زمان‌های اختصاص‌یافته به مراقبت از کودکان، بزرگسالان و ساندویچی پس از تعدیل رابطه سایر متغیرها نیز در قالب مدل‌های مختلف ارائه شده است.

1. Sayer
2. Sullivan
3. ICATUS
4. Tobit regressions
5. Stata

جدول ۱. متغیرهای استفاده شده در تحلیل

مراقبت از کودکان	زمان (دقیقه) اختصاص یافته به ارائه خدمات مراقبتی بدون مزد در شبانه روز برای کودکان (زیر ۵ سال) حاضر در خانوار، مانند غذادادن، تمیز کردن، مراقبت‌های فیزیکی و پزشکی، آموزش و تربیت، بازی کردن، نظارت و پابیدن	متغیر وابسته
مراقبت از بزرگسالان	زمان (دقیقه) اختصاص یافته به ارائه خدمات مراقبتی بدون مزد در شبانه روز برای بزرگسالان (۱۵+ ساله‌ها) وابسته و مستقل حاضر در خانوار، مانند غذادادن، تمیز کردن، کمک و مراقبت‌های پزشکی، حمایت‌های عاطفی و احساسی و همراهی کردن برای دریافت انواع خدمات	
مراقبت ساندویچی	زمان (دقیقه) اختصاص یافته به ارائه خدمات مراقبتی برای هر دو گروه کودکان و بزرگسالان در شبانه روز	
مراقبت کل	زمان (دقیقه) اختصاص یافته به همه خدمات مراقبتی بدون مزد در شبانه روز برای اعضای حاضر در خانوار*	متغیر مستقل
سن	شامل سه گروه سنی بزرگسالان جوان (۳۹-۱۵ ساله)، بزرگسالان میانسال (۵۹-۴۰ ساله) و بزرگسالان سالمند (۶۰+ ساله)	
جنس	شامل دو گروه مردان و زنان	
وضعیت زناشویی	شامل گروه‌های دارای همسر، بی‌همسر بر اثر فوت همسر، بی‌همسر بر اثر طلاق، هرگز ازدواج نکرده	
وضعیت اشتغال	شامل گروه‌های شاغل و غیر شاغل	
سطح تحصیلات	شامل گروه‌های بی‌سواد، ابتدایی، متوسطه اول (راهنمایی)، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی (کارדانی، کارشناسی، ارشد و دکتری)	

* این متغیر علاوه بر فعالیت‌های مربوط به کودکان و بزرگسالان، سایر مراقبت‌هایی را که از حیث دریافت‌کننده مراقبت شناسایی نمی‌شدند نیز دربرمی‌گیرد. دو زیرمجموعه این فعالیت‌ها شامل سفر مرتبط به خدمات مراقبتی بدون مزد برای اعضای خانوار و همچنین سایر فعالیت‌های مرتبط با خدمات مراقبتی بدون مزد است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و همچنین ویژگی‌های سنی / جنسی مراقبان غیردستمزدی از اعضای خانوار در نمونه را توصیف کرده‌ایم. در نهایت رابطه متغیرهای مستقل با انواع مراقبت غیردستمزدی با استفاده از مدل‌های رگرسیونی بررسی شده است. جدول ۲ توزیع درصدی نمونه پیمایش برحسب زیرگروه‌های متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد (متغیر جنس در قسمت معرفی حجم نمونه توصیف شد).

جدول ۲. توصیف نمونه برحسب متغیرهای مستقل

متغیر	زنان و مردان	
	زنان درصد	مردان درصد
وضعیت زناشویی ازدواج کرده بی‌همسر بر اثر فوت طلاق گرفته هرگز ازدواج نکرده	۶۸/۸	۶۹/۶
	۹/۷	۱/۸
	۲/۵	۱/۳
	۱۹/۰	۲۷/۳
	۲۳/۱	
سطح تحصیلات بی‌سواد ابتدایی متوسطه اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی	۱۶/۲	۷/۹
	۱۹/۱	۱۷/۶
	۱۴/۸	۲۰/۰
	۲۸/۲	۳۰/۲

مردان	زنان	زنان و مردان	متغیر
درصد	درصد	درصد	
۲۴/۱	۲۱/۳	۲۲/۷	دانشگاهی
۰/۱۶	۰/۳۳	۰/۲۴	سایر
۶۳/۴	۱۱/۸	۳۷/۳	وضعیت فعالیت
۷/۶	۲/۷	۵/۱	شاغل
۸/۵	۹/۰	۸/۷	بیکار
۱۵/۹	۵/۹	۱۰/۹	محصل
۰/۸۳	۶۸/۹	۳۵/۳	دارای درآمد بدون کار
۳/۸	۱/۷	۲/۸	خانه‌دار
			سایر
۵۰/۹۱	۵۱/۲۵	۵۱/۰۹	سن
۳۲/۴۱	۳۲/۵۹	۳۲/۵۰	۱۵-۳۹
۱۶/۶۷	۱۶/۱۶	۱۶/۴۱	۴۰-۵۹
			+ ۶۰

جدول ۳ نیز به توصیف متغیر وابسته پرداخته است. براین اساس میانگین دقیق اختصاص یافته به ارائه خدمات مراقبتی بدون مزد برای اعضای خانوار در نمونه حاضر، ۲۵/۴ دقیقه بوده است که از این مقدار ۱۹/۷۹ دقیقه (۷۳/۱ درصد) برای مراقبت از کودکان، ۲/۹۴ دقیقه (۱۸/۰ درصد) به منظور مراقبت از بزرگسالان، ۲/۰۴ دقیقه برای مراقبت‌های هم‌زمان از کودکان و بزرگسالان (ساندویچی) و کمتر از ۱ دقیقه نیز به سایر فعالیت‌های مراقبتی بدون مزد صرف شده است که از حیث دریافت‌کننده مراقبت شناسایی شده نبوده‌اند. به منظور جلوگیری از تغییر نمونه مراقبان و مقایسه بهتر زمان اختصاص داده شده به انواع مراقبت، این میانگین برای کل افراد نمونه محاسبه شده است.

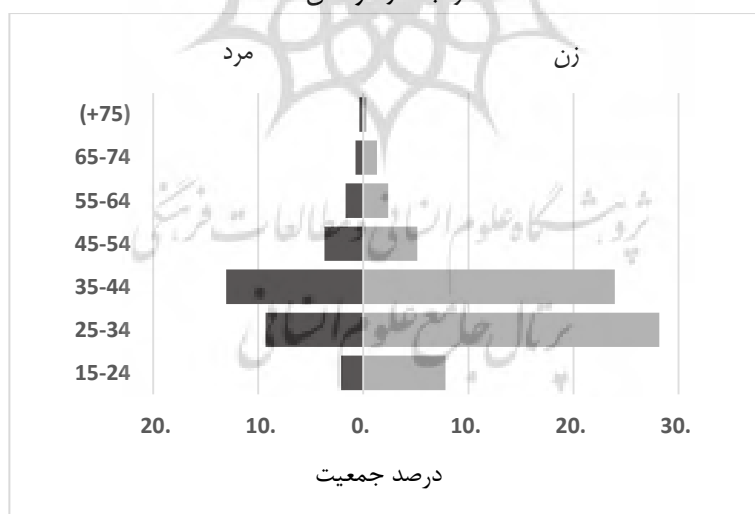
جدول ۳. آمار توصیفی انواع مراقبت غیردستمزدی برحسب جنس مراقبان، مناطق شهری ایران، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

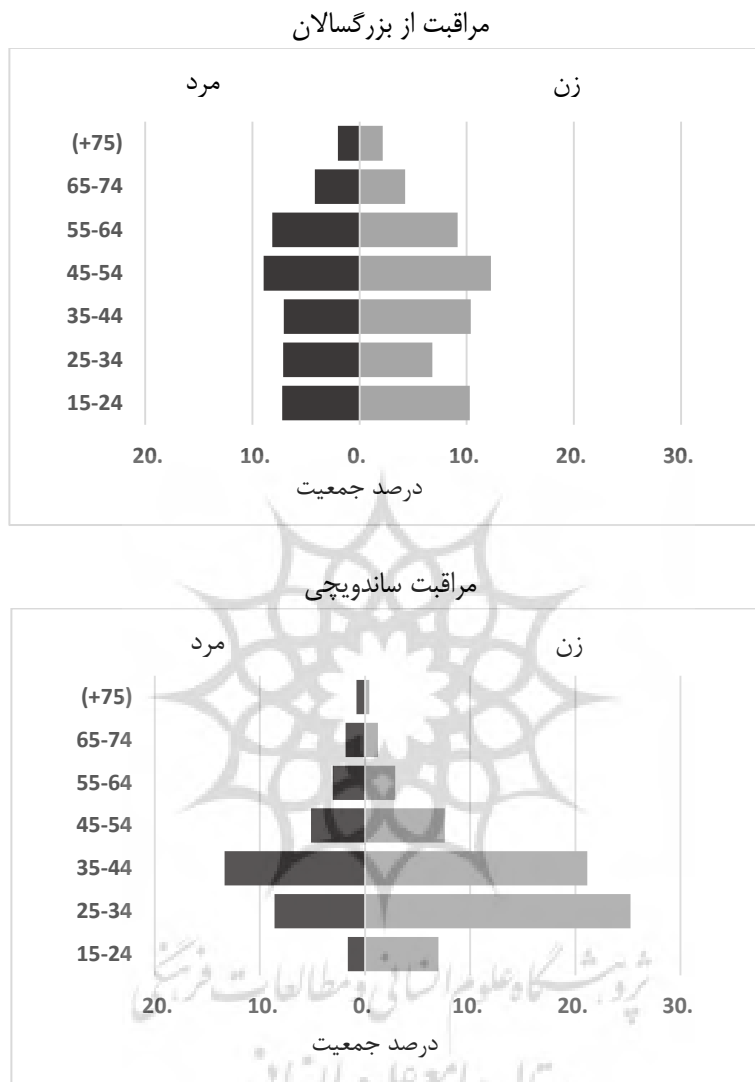
نوع مراقبت	میانگین زمان از کل نمونه	تعداد نمونه	درصد مردان	درصد زنان	میانۀ سنی
کودکان	۱۹/۷۹ دقیقه (۷۳/۱ درصد)	۶۰۴۶	۳۰/۹۶	۶۹/۰۴	۳۵
بزرگسالان	۲/۹۴ دقیقه (۱۸/۰ درصد)	۱۴۸۵	۴۴/۷۱	۵۵/۲۹	۴۵
ساندویچی	۲/۰۴ دقیقه (۵/۹ درصد)	۴۸۷	۳۴/۵۰	۶۵/۵۰	۳۷
سایر	۰/۶۳ دقیقه (۳/۰ درصد)	۲۴۹	۶۹/۰۸	۳۰/۹۲	۴۵
کل	۲۵/۴ دقیقه (۱۰۰ درصد)	۸۲۶۷	۳۴/۷۹	۶۵/۲۱	۳۶

براساس جدول ۳، غلبه الگوی زنانه مراقبت در هر سه نوع مراقبت استنباط می‌شود؛ هرچند این اختلاف در مراقبت از بزرگسالان کاهش می‌یابد. این تفاوت‌ها را در تحلیل رگرسیونی و براساس متغیرهای وابسته بهتر نشان داده‌ایم. در گروه «سایر» تفاوت جنسیتی آشکار میان مردان و زنان وجود دارد که این وضعیت احتمالاً به دلیل شمول فعالیت «سفر و همراهی مرتبط با مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانوار» بوده است و از آنجا که معمولاً مردان این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند، چنین اختلاف فاحشی به وجود آمده است. میانۀ سنی مراقبان نیز بیانگر مسن‌تر بودن افرادی است که از بزرگسالان حاضر در خانوار مراقبت کرده‌اند که این امر به دلیل همبستگی

بالای دو نوع دیگر مراقبت (کودکان و ساندویچی) با سنین فرزندآوری دور از ذهن نیست. برای درک بهتر تفاوت‌های سنی و جنسی مراقبان براساس نوع مراقبت از اعضای خانوار در مناطق شهری ایران بهتر است نگاهی به هرم‌های سنی-جنسی این افراد بیندازیم. شکل ۱ هرم سنی-جنسی جمعیت مراقبان غیردستمزدی را به تفکیک نوع مراقبت نشان می‌دهد. در هر سه نوع مراقبت، بیشترین گروه مراقبان را افراد میانسال و زنان تشکیل می‌دهند و این مسئله، همان‌طور که انتظار می‌رفت، یافته‌های پیشین در این باره را تصدیق می‌کند. هرچند پراکندگی مراقبان غیر دستمزدی از بزرگسالان در مقایسه با دو گروه دیگر کمتر است و تقریباً در همه گروه‌های سنی- به غیر از دو گروه سنی آخر- بخش بزرگ‌تری از افراد (چه مرد و چه زن) خدمات مراقبتی برای بزرگسالان خانوار ارائه داده‌اند و به همین دلیل، هم میانه سنی افرادی که از بزرگسالان مراقبت کرده‌اند به میزان چشمگیری بیشتر از دو گروه دیگر است و هم تفاوت جنسیتی بین مراقبان در این نوع مراقبت کمتر است. الگوی سنی-جنسی مشاهده‌شده درباره مراقبت از کودکان نیز به شیوع فرزندآوری و تراکم زنان دارای فرزند خردسال در گروه‌های سنی مذکور مربوط می‌شود. این الگو همچنین برای مراقبت‌های هم‌زمان و ساندویچی از کودکان و بزرگسالان مشاهده می‌شود که دلیل اصلی آن می‌تواند محدودیت سن کودکان دریافت‌کننده مراقبت باشد؛ زیرا تنها مراقبت از کودکان زیر ۵ سال در این پیمایش ثبت شده است؛ از این‌رو نسل ساندویچی بررسی‌شده در این تحقیق نمی‌تواند میانگین سنی بالایی داشته باشد. البته تشابه این الگو به معنای تشابه شیوع و شدت مراقبت‌های ساندویچی به مراقبت‌های مربوط به کودکان نیست و چنان‌که خواهیم دید، میانگین زمان مربوط به این نوع مراقبت در شبانه‌روز، عدد کوچکی برای کل نمونه بررسی‌شده است و البته با مقایسه تعداد مراقبان دو گروه نیز می‌توان آن را حدس زد.

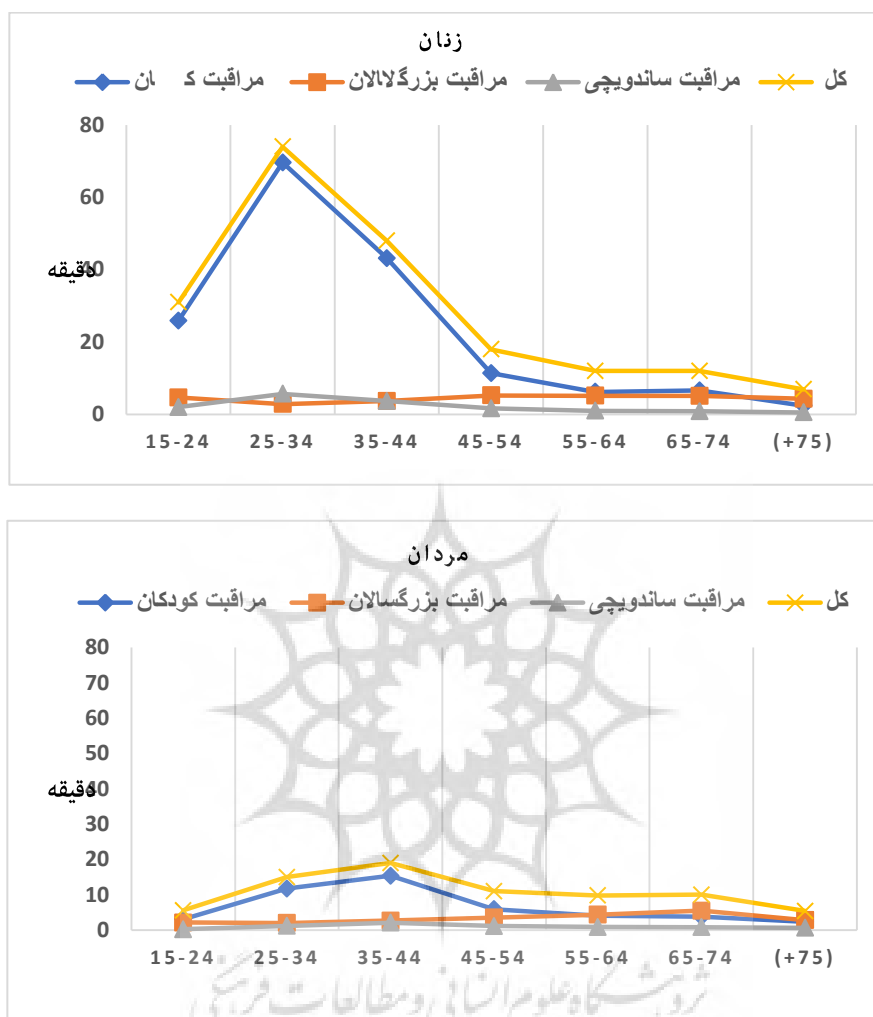
مراقبت از کودکان





شکل ۱. هرم سنی-جنسی جمعیت مراقبان غیردستمزدی از اعضای خانوار برحسب نوع مراقبت، مناطق شهری ایران، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

اکنون که ارائه مراقبت‌های غیردستمزدی را از لحاظ شیوع و بزرگی بررسی کردیم و برخی ویژگی‌های جمعیت مراقبان را نشان دادیم، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ می‌دهیم؛ به این معنا که ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی افراد چه تفاوت‌هایی را در این انتقالات مراقبتی رقم می‌زنند. به دلیل اهمیت الگوی سنی-جنسی سرمایه‌گذاری زمانی در مراقبت و تأکید ویژه تحقیق حاضر بر این مسئله، در شکل ۲ مقدار زمان اختصاص یافته به انواع مراقبت برحسب گروه‌های سنی به تفکیک جنس را نشان داده‌ایم.



شکل ۲. مقدار زمان اختصاص یافته روزانه (۲۴ ساعت) به انواع مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانوار برحسب گروه‌های سنی به تفکیک جنس، مناطق شهری کشور، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

شکل ۲ به خوبی بیانگر الگوی سنی متفاوت سرمایه‌گذاری زمانی در مراقبت غیردستمزدی بین مردان و زنان در مناطق شهری کشور است. بیشترین مقدار عرضه خدمات مراقبتی برای زنان در اوج سنین فرزندآوری است که گروه سنی ۲۵-۳۴ را شامل می‌شود و مراقبت‌های مربوط به کودکان با اختلاف، بیشترین سهم را داشته است. برای مردان شاهد انتقال این بیشینه به گروه سنی ۳۵-۴۴ هستیم. این امر می‌تواند به معنای افزایش سهم مردان گروه سنی ۳۵-۴۴ در مراقبت از کودکان بزرگ‌تر (غیر نوزادان) باشد که به دلیل سرمایه‌گذاری زمانی بیشتر زنان برای نوزادان، این فعالیت‌ها به آن‌ها واگذار شده است. نکته دیگر اینکه براساس سوابق تجربی در این زمینه، با افزایش سن، از شکاف میزان زمان مراقبت غیردستمزدی بین مردان و زنان کاسته شده است و در سال‌های پایانی زندگی، الگوی مسلط مراقبت، از کودکان به مراقبت از بزرگسالان، که معمولاً همسران هستند انتقال می‌یابد؛ هرچند مقدار زمان سرمایه‌گذاری شده در این سنین با دوره جوانی و میانسالی افراد مقایسه‌شدنی نیست. درباره مقدار کم زمان اختصاص یافته به

مراقبت‌های ساندویچی و الگوی سنی آن برای زنان، بار دیگر باید به سن کودکان دریافت‌کننده مراقبت اشاره کنیم؛ از این‌رو این ویژگی نظری دربارهٔ زنان نسل ساندویچی که تا میانسالی و حتی آغاز کهنسالی با پاسخ‌گویی به نیازهای فرزندان نوجوان و جوان هستند، نمی‌تواند در تحقیق حاضر مصداق داشته باشد.

جدول‌های ۳ تا ۶ مدل‌های رگرسیونی مراقبت غیردستمزدی به تفکیک نوع مراقبت را نشان می‌دهند. در این جدول‌ها ۶ مدل تعبیه شده که در هر یک تأثیر متغیرهای مستقل بررسی شده است. مدل ۱ ضرایب تعدیل نشده یا به عبارتی همان ضرایب رگرسیون ثابت دومتغیره را نشان می‌دهد تا چگونگی تأثیر هر متغیر مستقل جداگانه تحلیل شود. در مدل ۲ دو متغیر مهم و مؤکد این پژوهش، یعنی سن و جنس را هم‌زمان وارد کرده‌ایم تا رابطهٔ هر یک از این دو متغیر با متغیر وابسته را پس از تعدیل متغیر دیگر شناسایی کنیم. در مدل‌های ۳ تا ۵ به ترتیب متغیرهای وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات وارد شده‌اند تا رابطهٔ آن‌ها با متغیر وابسته پس از تعدیل و چشم‌پوشی از رابطهٔ گروه سنی و جنس با متغیر وابسته تعیین شود. مدل ۶ شامل متغیرهای مستقل به‌صورت هم‌زمان است تا رابطهٔ هر یک از متغیرهای مستقل پس از تعدیل سایر متغیرهای مستقل سنجیده شود.

جدول ۳ مدل‌های رگرسیونی برای کل مراقبت‌های غیردستمزدی از اعضای خانوار را نشان می‌دهد. مردان در شبانه‌روز ۲۵/۸ دقیقه زمان کمتری را در مقایسه با زنان به مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانوار صرف کرده‌اند. این اختلاف پس از تعدیل متغیرهای وضعیت زناشویی و وضعیت اشتغال به‌ترتیب به ۲۳/۸ و ۲۱/۹ دقیقه کاهش می‌یابد، اما با ورود متغیر تحصیلات در مدل ۴، تفاوت جنسیتی بین مردان و زنان اندکی افزایش می‌یابد و به ۲۶/۴ دقیقه می‌رسد؛ بنابراین می‌توان گفت غیر از مدل ۴ که در آن اضافه‌شدن متغیر وضعیت اشتغال زمان ارائهٔ مراقبت غیردستمزدی را برای زنان تا اندازهٔ محسوسی کاهش داده است، سایر متغیرها (وضع زناشویی و سطح تحصیلات) در این زمینه تفاوت چشمگیری نداشته‌اند. رابطهٔ منفی اشتغال با مراقبت غیردستمزدی در هر سه نوع مراقبت تأیید شد و به‌طور کلی غیرشاغلان نزدیک به ۱۷ دقیقه زمان بیشتری را در شبانه‌روز صرف ارائهٔ مراقبت غیردستمزدی برای اعضای خانوار کرده‌اند (جدول ۴، مدل ۱). این تفاوت را می‌توان به تعداد زیاد زنان خانه‌داری نسبت داد که در گروه غیر شاغل قرار گرفته‌اند (جدول ۲)؛ از این‌رو باید گفت براساس انتظار، زنان خانه‌دار در مقایسه با سایر افراد بیشترین زمان را صرف ارائهٔ خدمات مراقبتی برای اعضای خانوار کرده‌اند. موارد فوق دربارهٔ مراقبت از کودکان نیز صادق است و در واقع به‌دلیل شدت و غلبهٔ این نوع مراقبت در نمونه، خروجی‌های مراقبت از کودکان و مراقبت کل بسیار شبیه یکدیگر شده‌اند.

جدول ۴. مدل‌های رگرسیونی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مراقبت کل، مناطق شهری ایران، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

(۶) مدل کامل	(۵) ۲ + سطح تحصیلات	(۴) ۲ + وضعیت اشتغال	(۳) ۲ + وضعیت زناشویی	(۲) سن و جنس	(۱) ضرایب تعدیل نشده	متغیر
						جنس
						زن
					** -۲۵/۸۰	مرد
						وضعیت زناشویی
						متأهل
					** -۲۲/۰۲	بی‌همسر در اثر فوت
					** -۱۵/۳۴	بی‌همسر در اثر طلاق
					** -۲۴/۵۶	هرگز ازدواج‌نکرده

متغیر	(۱) ضرایب تعدیل نشده	(۲) سن و جنس	(۳) وضعیت زناشویی	(۴) وضعیت اشتغال	(۵) ۲ + سطح تحصیلات	(۶) مدل کامل
وضعیت اشتغال شاغل غیر شاغل	. ** ۱۶/۹۸			. ** ۷/۳۱		. ** ۱۶/۱۶
تحصیلات بی سواد ابتدایی متوسطه اول دبیرستان و پیش دانشگاهی دانشگاهی	. ** ۷/۶۵ ** ۱۵/۵۳ ** ۱۷/۹۴ ** ۱۴/۶۸				. ** ۶/۷۶ ** ۹/۳۴ ** ۷/۸۳ ** ۷/۰۱	. ** ۳/۱۸ ** ۶/۸۴ ** ۷/۸۸ ** ۱۰/۵۴
سن ۱۵-۳۹ ۴۰-۵۹ +۶۰	. ** -۱۷/۲۱ ** -۲۴/۹۲	. ** -۱۷/۲۰ ** -۲۴/۶۸	. ** -۳۲/۵۱ ** -۳۸/۳۶	. ** -۱۶/۷۶ ** -۲۶/۵۹	. ** -۱۶/۴۰ ** -۲۱/۰۰	. ** -۳۱/۲۱ ** -۳۹/۹۴
عرض از مبدأ		** ۴۷/۸۵	** ۶۴/۹۵	** ۴۱/۵۶	۴۰/۵۹ **	۴۴/۹۸ **
شبه R^2		۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۱۴

توضیحات: * معنادار در ۵ درصد، ** معنادار در ۱ درصد

در میان سه نوع مراقبت بررسی شده، همان طور که در شکل ۲ نشان داده شد، بیشترین تفاوت های جنسیتی در اختصاص زمان به مراقبت غیردستمزدی، برای مراقبت از کودکان یافت می شود. در جدول ۵، علاوه بر تفاوت های جنسیتی ضرایب تعدیل نشده این گروه (مراقبت از کودکان) نشان داد افراد متأهل، غیر شاغل و تحصیل کرده تر، بیشتر از سایر افراد در مراقبت از کودکان زمان صرف کرده اند و البته با افزایش سن از این میزان کاسته شده است. نکته دیگر درباره وضعیت زناشویی مراقبان کودک (مدل ۳ در جدول ۵) این است که با وجود تعدیل متغیر سن، افراد بی همسر در اثر فوت همچنان از افراد طلاق گرفته (در مقایسه با متأهلان) بیشتر از کودکان مراقبت کرده اند؛ از این رو شاید بتوان این وضعیت را به مراقبت های مربوط به نواذگان حاضر در خانوار نسبت داد که به دلیل تفاوت های جنسیتی احتمالاً بیشتر آن را مادر بزرگان انجام داده اند.

همان طور که در خروجی ها مشاهده می شود، ضریب تعیین (شبه R^2) برای هیچ کدام از مدل ها عدد بزرگی به دست نیامد و بالاترین مقدار برای متغیر وابسته مراقبت از کودکان، با عدد ۰/۰۱۶ ثبت شده است که همچنان عدد پایینی است؛ از این رو متغیرهای مستقل بررسی شده در این تحقیق نتوانستند هم زمان میزان بالایی از کل واریانس متغیرهای وابسته را تبیین کنند. با توجه به اهمیت مسئله مراقبت، پژوهش های آینده می توانند نقش سایر عوامل در مدت زمان اختصاص یافته به امر مراقبت را بررسی کنند.

جدول ۶ (خروجی مربوط به مراقبت از بزرگسالان) بیانگر نکات مهمی است. ضرایب تعدیل نشده برای این متغیر وابسته حاکی از رابطه مستقیم سن و رابطه معکوس سطح تحصیلات با مقدار زمان مراقبت بوده است. بنا بر یافته های مطالعات پیشین، اگرچه افزایش تحصیلات فرزندان ممکن است با کاهش احتمال همسکنایی با والدین به کاهش مراقبت از والدین منجر شود، به طور کلی، تحصیلات

معمولاً منبع و محرکی قدرتمند در ارائه مراقبت‌های غیررسمی از نزدیکان است؛ از این رو باید دید آیا بدون در نظر گرفتن سن افراد، باز هم این رابطه منفی است یا نه. براساس یافته‌ها پاسخ منفی است و پس از تعدیل متغیر گروه‌های سنی، این رابطه معنادار به دست نیامد (مدل ۵). به عبارت دیگر، تحصیلات پایین‌تر مراقبان غیردستمزدی از بزرگسالان به دلیل تفاوت‌های سنی در گروه‌های تحصیلی مختلف بوده است.

نکته مهم دیگر در این باره، کاهش تفاوت‌های جنسیتی در مراقبت است و حتی، همان‌طور که در مدل ۴ ملاحظه می‌شود، با اضافه شدن متغیر وضعیت اشتغال، مقدار کمتر زمان اختصاص داده شده به مراقبت از سوی مردان در مقایسه با زنان، از لحاظ آماری غیرمعنادار می‌شود؛ بنابراین با توجه به این موارد باید گفت مراقبت از بزرگسالان در نمونه مورد بررسی، الگوی بین‌نسلی ندارد و بیشتر شامل مراقبت‌های بین‌همسری بوده است (شکل ۲ نیز تا حدودی گویای این وضعیت بود). براساس سوابق پژوهشی در این باره، مراقبت‌های بین‌همسری در اواخر عمر شکاف جنسیتی حداقلی دارد و گاهی حتی الگوی مردانه به خود می‌گیرد (دالبرگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۷)، اما به‌طور کلی درباره مراقبت‌های غیردستمزدی از بزرگسالان در مناطق شهری ایران ذکر این نکته ضروری است که با وجود میانه سنی بالاتر مراقبان، مراقبت از بزرگسالان به‌طور متوسط مقدار زمان بسیار کمی از وقت روزانه این افراد را گرفته است که این وضعیت را بار دیگر باید به ساختار سنی نسبتاً جوان در مناطق شهری ایران نسبت داد؛ هرچند انتظار می‌رود این الگو در سال‌های آتی با ورود ایران به جمع کشورهای سالخورده دستخوش تغییرات اساسی شود.

جدول ۵. مدل‌های رگرسیونی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مراقبت از کودکان، مناطق شهری ایران، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

(۶) مدل کامل	(۵) ۲ + سطح تحصیلات	(۴) ۲ + وضعیت اشتغال	(۳) ۲ + وضعیت زناشویی	(۲) سن و جنس	(۱) ضرایب تعدیل نشده	متغیر
.	جنس
** -۱۵/۱۹	** -۲۲/۷۱	** -۲۱/۶۳	** -۲۲/۳۴	** -۲۴/۴۹	** -۲۴/۵۹	زن مرد
.	وضعیت زناشویی
** -۱۰/۸۷			** -۱۳/۱۴		** -۱۸/۱۲	متاهل بی‌همسر در اثر فوت بی‌همسر در اثر طلاق هرگز ازدواج نکرده
** -۱۹/۳۵			** -۲۰/۵۹		** -۸/۸۷	
** -۴۴/۰۲			** -۴۱/۱۲		** -۲۱/۹۶	
.	وضعیت اشتغال
** ۱۴/۳۸		** ۵/۵۳			** ۱۵/۰۲	شاغل غیرشاغل
.	تحصیلات
** ۳/۵۶	** ۶/۸۹				** ۸/۳۰	بی‌سواد ابتدایی
** ۷/۱۲	** ۹/۴۱				** ۱۴/۱۶	متوسطه اول
** ۸/۰۶	** ۷/۶۹				** ۱۶/۷۷	دبیرستان و پیش‌دانشگاهی
** ۱۰/۷۸	** ۷/۱۶				** ۱۶/۱۵	دانشگاهی

(۶) مدل کامل	(۵) ۲ + سطح تحصیلات	(۴) ۲ + وضعیت اشتغال	(۳) ۲ + وضعیت زناشویی	(۲) سن و جنس	(۱) ضرایب تعدیل نشده	متغیر
.	سن ۱۵-۳۹
** -۳۲/۹۳	** -۱۸/۰۵	** -۱۸/۵۰	** -۳۴/۲۸	** -۱۸/۸۴	** -۱۸/۸۵	۴۰-۵۹
** -۴۱/۵۹	** -۲۲/۷۱	** -۲۷/۸۵	** -۴۰/۷۶	** -۲۶/۴۱	** -۲۴/۹۰	+۶۰
** ۴۱/۵۳	** ۳۶/۱۲	** ۳۸/۶۳	** ۶۰/۳۴	** ۴۳/۲۸		عرض از مبدأ
-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۵	-۰/۰۰۸		شبه R ²

جدول ۶. مدل‌های رگرسیونی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابستهٔ مراقبت از بزرگسالان، مناطق شهری ایران،

سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

(۶) مدل کامل	(۵) ۲ + سطح تحصیلات	(۴) ۲ + وضعیت اشتغال	(۳) ۲ + وضعیت زناشویی	(۲) سن و جنس	(۱) ضرایب تعدیل نشده	متغیر
.	جنس زن مرد
** -۰/۷۰۵	** -۱/۱۶	غم -۰/۳۹۰	** -۱/۴۸	** -۱/۲۰	** -۱/۲۱	وضعیت زناشویی متاهل بی‌همسر در اثر فوت بی‌همسر در اثر طلاق هرگز ازدواج نکرده
** -۲/۲۶ غم -۱/۰۲ * ۰/۷۰۸			** -۲/۱۹ غم -۱/۱۷ ** ۰/۹۸۳		غم ۰/۵۳۴ غم -۱/۱۶ غم ۰/۲۷۰	وضعیت اشتغال شاغل غیرشاغل
.		** ۱/۵۸			** ۱/۸۶	تحصیلات بی‌سواد ابتدایی متوسطه اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی دانشگاهی
غم -۰/۵۱۱ غم -۰/۶۰۹ غم -۰/۵۴۶ غم -۰/۸۳۹	غم -۰/۲۴۹ غم -۰/۳۵۰ غم -۰/۱۲۵ غم -۰/۵۶۷				غم ۰/۸۱۲ ** -۱/۴۳ ** -۱/۳۳ ** -۱/۸۱	سن ۱۵-۳۹ ۴۰-۵۹ +۶۰
** ۱/۶۴ ** ۱/۹۹	** ۱/۲۴ ** ۱/۶۳	** ۱/۳۹ ** ۱/۴۲	** ۱/۷۶ ** ۲/۷۸	** ۱/۲۹ ** ۱/۸۳	** ۱/۲۹ ** ۱/۸۲	عرض از مبدأ
** ۲/۷۷	** ۳/۷۵	** ۲/۱۰	** ۳/۲۱	** ۳/۴۶		شبه R ²
-۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۲		

در جدول ۷، ضرایب تعدیل نشده برای مراقبت‌های ساندویچی از اعضای خانوار بیانگر تفاوت‌های معنادار در اختصاص زمان بیشتر به این نوع مراقبت در میان زنان و افراد متأهل است. این وضعیت بر یافته‌های پیشین در این باره را کاملاً تأکید می‌کند. از آنجا که یکی از شروط اطلاق نسل ساندویچی به مراقبان غیردستمزدی مراقبت از فرزند/ فرزندان وابسته است، بیشتر این افراد، متأهل و دارای همسر هستند. مدل‌های ۲ تا ۵ در این زمینه نشان می‌دهد ورود متغیرهای سن، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات، تفاوت جنسی آشکاری در اختصاص زمان به مراقبت‌های ساندویچی ایجاد نمی‌کند و حتی وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات در این باره از لحاظ آماری معنادار نیستند. به عبارت دیگر زنان متأهل بزرگسال جوان (۳۹-۱۵ سال) بیشترین مقدار زمان مراقبت‌های ساندویچی از کودکان و بزرگسالان را در مناطق شهری ایران ثبت کرده‌اند و سطوح تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد در این باره تفاوت معناداری رقم نزده است.

جدول ۷. مدل‌های رگرسیونی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مراقبت ساندویچی، مناطق شهری ایران، سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

متغیر	(۱) ضرایب تعدیل نشده	(۲) سن و جنس	(۳) ۲+ وضعیت زناشویی	(۴) ۲+ وضعیت اشتغال	(۵) ۲+ سطح تحصیلات	(۶) مدل کامل
جنس زن مرد	. ** -۱/۷۶	. ** -۱/۷۶	. ** -۱/۶۳	. ** -۱/۵۲	. ** -۱/۸۱	. ** -۱/۰۳
وضعیت زناشویی متأهل بی‌همسر در اثر فوت بی‌همسر در اثر طلاق هرگز ازدواج نکرده	. ** -۲/۱۷ ** -۲/۵۵ ** -۲/۳۲	. ** -۱/۵۸ ** -۳/۰۶ ** -۳/۴۷	. ** -۱/۵۸ ** -۳/۰۶ ** -۳/۴۷	. ** -۱/۵۸ ** -۳/۰۶ ** -۳/۴۷	. ** -۱/۵۸ ** -۳/۰۶ ** -۳/۴۷	. ** -۱/۴۴ ** -۲/۹۷ ** -۳/۸۱
وضعیت اشتغال شاغل غیرشاغل	. ** ۱/۰۸	. ** ۱/۰۸	. ** ۱/۰۸	. ** ۱/۰۸	. ** ۱/۰۸	. ** ۱/۱۹
تحصیلات بی‌سواد ابتدایی متوسطه اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی دانشگاهی	. غم ۰/۲۹۴ * ۰/۹۱۷ ** ۰/۳۶۴ ** ۱/۰۴	. غم ۰/۲۹۴ * ۰/۹۱۷ ** ۰/۳۶۴ ** ۱/۰۴	. غم ۰/۲۹۴ * ۰/۹۱۷ ** ۰/۳۶۴ ** ۱/۰۴	. غم ۰/۲۹۴ * ۰/۹۱۷ ** ۰/۳۶۴ ** ۱/۰۴	. غم ۰/۱۳۴ غم ۰/۵۹۵ غم ۰/۴۹۵ غم ۰/۴۹۳	. غم ۰/۱۹۲ غم ۰/۳۶۵ غم ۰/۴۷۶ غم ۰/۷۴۲
سن ۳۹-۱۵ ۵۹-۴۰ +۶۰	. ** -۰/۸۶۹ ** -۱/۸۲	. ** -۰/۸۶۹ ** -۱/۸۰	. ** -۲/۱۴ ** -۲/۹۱	. ** -۰/۸۴۰ ** -۱/۹۳	. ** ۰/۷۵۶ ** -۱/۵۱	. ** -۲/۰۰ ** -۳/۰۱
عرض از مبدأ	** ۳/۴۹	** ۳/۴۹	** ۴/۹۷	** ۳/۰۹	** ۱/۲۳	** ۳/۶۳
شبه R ²	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱

توضیحات: * معنادار در ۵ درصد، ** معنادار در ۱ درصد

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های بررسی تأثیر تغییرات جمعیتی بر رشد اقتصادی، شناخت الگوهای گذران وقت افراد و چگونگی تخصیص زمان در ارائه خدمات مراقبتی غیردستمزدی در خانواده است. براساس نظریه همبستگی بین‌نسلی بنگستون یکی از مهم‌ترین انتقالات عملکردی بین نسلی مقدار زمانی است که صرف ارائه خدمات مراقبتی به دیگر اعضا می‌شود. این خدمات می‌تواند یا مستقیم صرف اعضای نیازمند مانند کودکان، سالمندان و سایر بزرگسالان شود، مانند کمک، رسیدگی، پرستاری، توجه، آموزش، تربیت و... یا غیرمستقیم به کمک سایر کارهای خانگی و مدیریت خانه، برای اعضای خانوار سرمایه‌گذاری شود. از آنجا که زمان منبعی محدود است که بین کار و اوقات فراغت، فعالیت‌های تولیدی و تولیدمثل (برای زنان) و کار با مزد و بدون مزد تقسیم می‌شود، هر دقیقه بیشتر که یک فرد برای کار مراقبت بدون مزد صرف می‌کند، نشان‌دهنده یک دقیقه کمتر از زمانی است که وی می‌تواند برای فعالیت‌های مربوط به بازار کار یا سرمایه‌گذاری در مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای خود اختصاص دهد که این امر پیامدهای مستقیمی برای رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی دارد. با توجه به تغییرات اخیر و ادامه‌دار ساختار سنی جمعیت و تأثیرپذیری دستگاه برنامه‌ریزی کشور از این تحولات، موضوع بررسی شده از جنبه سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی مهم است.

مرور سوابق پژوهشی در این باره نشان می‌دهد مشخصه‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، وضعیت زناشویی، وضعیت فعالیت و سطح تحصیلات از جمله تعیین‌کننده‌های مهم عرضه مراقبت غیردستمزدی به‌شمار می‌روند. بر همین اساس این مقاله داده‌های پیمایش گذران وقت در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ را به کار برد و به بررسی عوامل مرتبط با مقدار زمان اختصاص‌یافته به مراقبت غیردستمزدی از اعضای خانوار در مناطق شهری ایران پرداخت. سؤال اول محققان در این مطالعه درباره شناخت الگوی سنی و جنسی مقدار زمان مراقبت از کودکان و بزرگسالان حاضر در خانوار و همچنین مراقبت هم‌زمان از هر دو گروه، یا به عبارتی مراقبت‌های ساندویچی بوده است. بررسی سایر عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر در این انتقالات، مانند وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات نیز سؤال پژوهشی دوم بود. دو چارچوب نظری مهم به کار گرفته شده در این پژوهش رویکردهای دسترسی زمانی و منابع نسبی بودند. در رویکرد دسترسی زمانی انتقالات مراقبتی با توجه به زمان در دسترس مراقبان صورت می‌گیرد و از این حیث، سایر فعالیت‌های وقت‌گیر مانند تحصیل و اشتغال می‌تواند با کاهش سرمایه‌گذاری زمانی در این زمینه همراه باشد. رویکرد نسبی نیز مطلوبیت‌نداشتن نسبی این فعالیت‌ها را یکی از موانع اختصاص زمان به آن‌ها می‌داند که در آن افراد سعی می‌کنند با به‌کارگیری منابعی مانند تحصیلات، از سرمایه‌گذاری زمانی در مراقبت بکاهند.

براساس یافته‌های مقاله، شایع‌ترین نوع مراقبت در نمونه بررسی شده، مراقبت‌های غیردستمزدی از کودکان بوده است و اختصاص زمان به مراقبت از بزرگسالان و مراقبت‌های ساندویچی با اختلاف در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در پاسخ به سؤال اول، نتایج نشان می‌دهد بیشترین مقدار سرمایه‌گذاری زمانی در مراقبت غیردستمزدی برای زنان در سنین ۲۵-۳۴ سالگی و برای مردان در سنین ۳۵-۴۴ سالگی اتفاق می‌افتد. البته شدت این میزان برای دو جنس با اختلاف زیادی همراه بود و مقدار زمان مراقبت کل زنان بیش از سه برابر مردان بوده است. مراقبت از بزرگسالان در سنین اوج مراقبت، برای هر دو جنس به حداقل می‌رسد؛ بنابراین الگوی مسلط در این سنین مراقبت از کودکان است که در مجموع بیش از ۷۰ درصد زمان اختصاص‌یافته به مراقبت غیردستمزدی را برای مردان و زنان در برمی‌گیرد. براساس یافته‌ها، مراقبت‌های ساندویچی از هر دو گروه کودکان و بزرگسالان تنها حدود ۵ درصد از کل زمان مراقبت در شبانه‌روز را شامل می‌شود که الگوی سنی و جنسی آن به مراقبت از کودکان شباهت بسیاری دارد. براین‌اساس باید گفت نسل ساندویچی (براساس تعریف عملیاتی آن در این تحقیق) حداقل در مناطق شهری ایران، علاوه بر شیوع کم، میانگین

سنی پایین تری در مقایسه با آنچه پیش بینی می شد داشت و از این منظر آثار ساختار سنی جوان و وضعیت پنجره جمعیتی در جمعیت شهری ایران مشاهده می شود.

در پاسخ به سؤال دوم، نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می دهد مانند مطالعات پیشین این حوزه، افراد متأهل، غیرشاغل و با سطح تحصیلات بالا زمان بیشتری را برای مراقبت از کودکان صرف کرده اند، اما برای مراقبت از بزرگسالان رابطه متغیر تحصیلات الگوی معکوس گرفت و تفاوت محسوسی میان وضعیت های زناشویی مشاهده نشد. با توجه به این موارد و میانگین سنی بالاتر مراقبان بزرگسالان می توان گفت مراقبت از بزرگسالان در نمونه بررسی شده، الگوی بین نسلی نداشته و بیشتر شامل مراقبت های بین همسری بوده است. در مجموع باید گفت از میان عوامل مرتبط با تخصیص زمان در ارائه مراقبت غیردستمزدی، بیشترین همبستگی مربوط به متغیر جنس بود و زنان با وجود تعدیل سایر متغیرهای مستقل در تحلیل چندمتغیره، همچنان با اختلاف زیاد در مقایسه با مردان بیشترین زمان را در ارائه مراقبت از اعضای خانوار، به ویژه کودکان، صرف کرده اند. همچنین از آنجا که این وضعیت در اوج سنین فعالیت رخ می دهد نیاز به هم اندیشی علمی و سیاست گذاری در این زمینه احساس می شود.

مطالعه حاضر نشان می دهد عوامل مرتبط با روندهای مراقبت غیردستمزدی از متغیرهای بررسی شده فراتر است و می تواند ویژگی های خانوادگی (مانند تعداد و ترکیب جنسی فرزندان و وضعیت اقتصادی خانوار)، سرمایه اجتماعی، خدمات و تسهیلات مراقبتی محلی موجود و سیاست گذاری و مداخلات اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی را شامل شود؛ از این رو پیش بینی می شود در آینده شاهد طراحی پیمایش های تخصصی مرتبط با این موضوع باشیم. تشکیل کارگروه ها و انجمن های رسمی و غیررسمی از سوی نهادهای ذی ربط مانند سازمان بهزیستی و وزارت کار و رفاه اجتماعی درباره مسئله مراقبت های غیردستمزدی و حمایت از مراقبان نیز می تواند مفید واقع شود. تجربه سایر کشورها در این باره نشان داده است هر نوع حمایت از این افراد با پیامدهای مثبت اقتصادی-اجتماعی و حضور مؤثرتر جمعیت فعال اقتصادی در سطح جامعه همراه بوده است.

علاوه بر الزامات سیاستی، ضرورت توجه بیشتر و چرخش علمی-پژوهشی از سوی جامعه دانشگاهی کشور در این باره حس می شود؛ برای مثال یکی از زمینه های تحقیقاتی مهم در این حوزه می تواند به بررسی تغییرات جمعیتی و چرخه زندگی خانوادگی در ایران معطوف شود. براساس آنچه مرور شد، ساختار سنی کنونی جمعیت کشور نشان می دهد مضیقه مراقبتی در ایران خیلی نمی تواند براساس کمبود عرضه مراقبان بالقوه (عموماً فرزندان) توضیح داده شود؛ زیرا نسل انفجار مولید ایران (دهه شصتی ها) اکنون در سن ایده آل برای ارائه مراقبت هستند؛ از این رو به نظر می رسد تغییرات چرخه زندگی خانوادگی ایرانیان بهتر می تواند رابطه پویایی های جمعیت و روندهای مراقبت غیردستمزدی را نشان دهد. در سال های آینده با ادامه افزایش امید به زندگی و طول عمر افراد، احتمال افزایش نیاز به مراقبت از سوی والدین سالمند در کشور وجود خواهد داشت و از سوی دیگر به دلایلی مانند تأخیر، طولانی شدن و پیچیدگی گذار به بزرگسالی (ترک خانه) در میان فرزندان خانواده در اثر تغییراتی مانند افزایش سن ازدواج، افزایش سطح تحصیلات و زمان جست و جوی کار (به ویژه برای دختران)، افزایش طلاق و بازگشت به خانه و سایر عوامل فرهنگی مربوط، تقاضای حمایت و توجه از سوی فرزندان بیشتر و طولانی تر خواهد شد. پیش بینی می شود این مسئله سبب همپوشانی برخی وقایع زندگی و ایجاد تعارضات نقشی در سنین میانسالی شود. سرعت تغییرات جمعیتی در ایران معاصر آشکار است و آنچه برای سال های آینده پیش بینی می شود، ورود ایران به جمع کشورهای دارای ساختار سنی سالخورده است؛ از این رو شناخت واقعی تر موضوع و کشف جنبه های ناشناخته مؤثر بر مراقبت های غیررسمی در کشور می تواند گام مؤثری در تکمیل یافته های مقاله حاضر به شمار بیاید.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی سرمایه‌گذاری زمانی در مراقبت غیردستمزدی از کودکان و بزرگسالان در مناطق شهری ایران»، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- باستانی، سوسن و ذکریایی سراجی، فاطمه (۱۳۹۰). تفاوت‌های جنسیتی در سالمندی: شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی، *مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱): ۳۳-۵۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1391.3.1.2.5>
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۹الف). جنسیت، گذران وقت و نقش‌های خانوادگی: اهمیت منابع نسبی و دسترسی زمانی، *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۶(۱): ۳۷-۶۵. <https://doi.org/10.22034/jips.2020.228595.1040>
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۹ب). رابطه کار خانگی و تحصیلات زوجین در مناطق شهری ایران، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۲): ۲۶۳-۲۸۹. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.287349.919>
- ذرتی پور، کوثر (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر ترتیبات زندگی سالمندان با تأکید بر نیاز به پرستاری و مراقبت روزانه در مناطق شهری کشور ۱۳۸۷-۱۳۸۸، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- رازقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی، عباسی شوازی محمدجلال و قاضی طباطبائی، محمود (۱۳۹۱). تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۰-۱۳۷۹، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۵): ۵۵-۹۴.
- سازمان ثبت احوال، *سالنامه‌های آماری سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷*.
- عباسی شوازی، محمدجلال و بگی، میلاد (۱۳۹۹). شکل‌گیری خانوار و ترتیبات زندگی جوانان در ایران: شواهدی از تأخیر در گذار به زندگی مستقل. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶(۵۹): ۲۴۳-۲۷۴. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.44624>
- علی‌پور، فردین، سجادی، حمیرا، فروزان، آمنه و بیگلریان، اکبر (۱۳۸۷). نقش حمایت‌های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان. *رفاه اجتماعی*، ۹(۳۳): ۱۴۷-۱۶۵.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲). چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی، *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۲): ۱۰۵-۱۲۹.
- قاضی طباطبائی، محمود و مهری، نادر (۱۳۹۲). سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری در ایران، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۱): ۲۹-۴۴. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.35473>
- کوششی، مجید، سعیدی، علی اصغر و پروائی هرع دشت، شیوا (۱۳۹۲). تأثیر حمایت‌های اجتماعی غیررسمی بر کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته به‌مثابه یک مسئله اجتماعی: مطالعه صندوق تأمین اجتماعی و صندوق صنعت نفت، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱): ۱۰۹-۱۳۰. <https://doi.org/10.22059/jjsp.2013.50661>
- کوششی، مجید (۱۳۸۷). شبکه حمایت خانوادگی، ترتیبات زندگی و سلامت سالخورده‌گان در بستر گذار جمعیتی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- محمودیان، حسین و ضرغامی، حسین (۱۳۹۵). اثرات مهاجرت فرزندان بر حمایت اجتماعی والدین سالمند روستایی، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۷(۱): ۲۹-۵۳. <https://doi.org/10.22059/jrur.2016.58385>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹الف). *نتایج سالانه طرح آمارگیری گذران وقت، نقاط شهری کشور ۱۳۹۸-۱۳۹۹*. <https://www.amar.org.ir>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹ب). *طبقه‌بندی فعالیت‌ها برای آمارهای گذران وقت ۱۳۹۸-۱۳۹۹*. <https://www.amar.org.ir>

- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. Springer, Dordrecht.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Bagi, M. (2020). Household formation and living arrangements of the youth in Iran: Evidence of delay in the transition independent living, *Quarterly of Cultural Studies & Communication*, 16(59), 243-274. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.44624> (In Persian)
- Albertini, M. (2016). Ageing and family solidarity in Europe: patterns and driving factors of intergenerational support. *World Bank Policy Research Working Paper Series*. <http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.1.1967.4488>
- Albertini, M., Kohli, M., & Vogel, C. (2007). Intergenerational Transfers of Time and Money in European Families: Common Patterns—Different Regimes? *Journal of European Social Policy*, 17(4), 319–34. <https://doi.org/10.1177/0958928707081068>
- Alburez-Gutierrez, D., Mason, C., & Zagheni, E. (2021). The sandwich generation revisited: Global demographic drivers of care time demands. *Population and Development Review*, 47(4), 997-1023. <https://doi.org/10.1111/padr.12436>
- Alipoor, F., Sajadi, H., Forozan, A., & Biglarian, A. (2009). The role of social support in elderly quality of life. *Social Welfare Quarterly* 8(33), 149-167. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1862-fa.html>
- Anxo, D., Flood, L., Mencarini, L., Pailhé, A., Solaz, A., & Tanturri, M. L. (2007). Time Allocation between Work and Family over the Life Cycle: A Comparative Gender Analysis of Italy, France, Sweden and the United States. *IZA Discussion Paper Series No. 3193*.
- Bastani, S., & Zakariei Seraji, F. (2011). Gender Differences in Aging: Networks and Social Support. *Social Problems of Iran (Journal of Kharazmi University)*, 3(1), 33-57. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1391.3.1.2.5> (In Persian)
- Bengtson, V. L., & Roberts, R. E. (1991). Intergenerational Solidarity in Aging Families: An Example of Formal Theory Construction. *Journal of Marriage and the Family*, 53(4), 856–70. <https://doi.org/10.2307/352993>
- Bengtson, V. L., Rosenthal, C., & Burton, L. (1990). Families and Aging-Diversity and Heterogeneity. S. 263-287 In R. H. Binstock & L. K. George (Hrsg.), *Handbook of Aging and the Social Sciences*. Vol. 2-3.
- Blood, R., & Wolfe, D. (1960). *Husbands and wives: The dynamics of married living*. New York, NY: Free Press.
- Brody, E. M. (1981). Women in the middle and family help to older people. *The Gerontologist*, 21(5), 471-480. <https://doi.org/10.1093/geront/21.5.471>
- Civil Registration Organization of Iran. *Statistical Yearbooks of 2012 and 2017*.
- Dahlberg, L., Demack, S., & Bamba, C. (2007). Age and gender of informal carers: a population-based study in the UK. *Health and Social Care in the Community*, 15(5), 439–445. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2524.2007.00702.x>
- Donehower, G. (2017). Adding unpaid care work into the analysis of demographic dividends. In *Annual Meeting of the Population Association of America, Chicago, US*.
- Dotti Sani, G. M., & Scherer, S. (2018). Maternal employment: Enabling factors in context, *Work, Employment and Society*, 32(1), 75-92. <https://doi.org/10.1177/0950017016677944>
- Drobnič, S. (2000). The effects of children on married and lone mothers' employment in the United States and (West) Germany, *European Sociological Review*, 16(2), 137–157. <https://doi.org/10.1093/esr/16.2.137>

- Dukhovnov, D., & Zagheni, E. (2015). Who takes care of whom in the United States? Time transfers by age and sex. *Population and Development Review*, 41(2), 183–206. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2015.00044.x>
- Foroutan, Y. (2014). The challenges of contemporary family and modernization: An emphasis on divorce in the process of demographic transition. *Social Problems of Iran (Journal of Kharazmi University)*, 4(2), 105-129. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1392.4.2.5.7> (In Persian)
- Gash, V. (2008). Preference or constraint? Part-time workers' transitions in Denmark, France and the United Kingdom. *Work, Employment & Society*, 22(4), 655–674. <https://doi.org/10.1177/0950017008096741>
- Ghazi-Tabatabaei, M., & Karimi, Z. (2011). Socio-demographic, economic and structural correlates of intergenerational support of the elderly in Iran. *Aging International*, 36, 428-444. <http://dx.doi.org/10.1007/s12126-011-9127-y>
- Ghazi-Tabatabaei, M., & Mehri, N. (2013). The Impact of Women's Employment on Fertility in Iran. *Women in Development and Politics*, 11(1), 29-44. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.35473> (In Persian)
- Hiller, D. V. (1984). Power dependence and division of family work. *Sex Roles*, 10(11–12), 1003-1019. <https://doi.org/10.1007/BF00288521>
- Kosheshi, M., Saeidi, A. A., & Parvaei Harahdasht, S. (2013). Impact of informal social support on elders as a social problem in social security fund and oil industry fund in Iran. *Iranian Journal of Social Problems*, 4(1), 109-130. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2013.50661> (In Persian)
- Koshashi, M. (2008). Family support network, living arrangements and health of the elderly in the context of demographic transition. *PhD Thesis*. Faculty of Social Sciences. University of Tehran. (In Persian)
- Lima, J. C., Allen, S. M., Goldscheider, F., & Intrator, O. (2008). Spousal caregiving in late midlife versus older ages: Implications of work and family obligations. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 63(4), S229-S238. <https://doi.org/10.1093/geronb/63.4.S229>
- López-Ortega, M. (2014). The family household and informal old age care in Mexico: A research note. *International Journal of Sociology of the Family*, 40(2), 235-246. <http://www.jstor.org/stable/43488425>
- Patterson, S., & Margolis, R. (2019). The Demography of Multigenerational Caregiving: A Critical Aspect of the Gendered Life Course. *Sociological Research for a Dynamic World*, 5, 1–19. <https://doi.org/10.1177/2378023119862737>
- Razeghi Nasrabad, H. B., Abbasi Shavazi, M. J., & Ghazi Tabatabaei, M. (2012). Multilevel analysis of factors effecting on firth birth timing in Iran, 1990-2000. *Wmm'' ttt iii tt uii ss* 44(55), 55-94. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20082827.1391.14.55.3.7> (In Persian)
- Riley, L. D., & Bowen, C. P. (2005). The sandwich generation: Challenges and coping strategies of multigenerational families. *The Family Journal*, 13(1), 52–58. <https://doi.org/10.1177/1066480704270099>
- Robards, J., Vlachantoni, A., Evandrou, M., & Falkingham, J. (2015). Informal Caring in England and Wales—Stability and Transition between 2001 and 2011. *Advances in Life Course Research*, 24, 21–33. <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2015.04.003>
- Russell, R. (2007). Men doing 'women's work': Elderly men caregivers and the gendered construction of care work. *rrrr nll of M'' ttt ddie5555(1)*, 1–18. <https://doi.org/10.3149/jms.1501.1>
- Sayer, L. C., Gauthier, A. H., & Furstenberg, F. F. (2004). Educational differences in parents' time with children: Cross-national variations. *Journal of Marriage and Family*, 66(5), 1152-1169. <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00084.x>

- Statistical Center of Iran (2020a). Annual results of the Iranian time-use survey, 2018-2019. <https://www.amar.org.ir/news/ArticleType/ArticleView/ArticleID/15632>
- Statistical Center of Iran (2020b). Classification of activities for time-use survey (ICATUS) 2018-2019. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/faradade/tabaghebandi/ICATUS.xlsx>
- Sullivan, O., Billari, F. C., & Altintas, E. (2014). Fathers' changing contributions to child care and domestic work in very low-fertility countries the effect of education. *Journal of Family Issues*, 35(8), 1048–1065. <https://doi.org/10.1177/0192513X14522241>
- Torabi, F. (2020). Gender, Time Use and Family Roles: The Importance of Relative Resources and Time Availability, *Iranian Population Studies*, 6(1), 37-65. (In Persian)
- Torabi, F. (2020). Education and household labor in urban areas of Iran. *Quarterly of Social Studies Research in Iran*, 9(2), 263-289. <https://doi.org/10.22034/jips.2020.228595.1040> (In Persian)
- Wiemers, E., & Bianchi, S. (2015). Competing demands from aging parents and adult children in two cohorts of American women. *Population and Development Review*, 41(1), 127–146. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2015.00029.x>
- Wolf, D. A. (1994). The elderly and their kin: patterns of availability and access. *Demography of Aging*, 146-194.
- Zarghami, H., & Mahmoodian, H. (2016). Effects of out-migration of children on social support of aged rural parents left behind. *Journal of Rural Research*, 7(1), 29-53. <https://doi.org/10.22059/jrur.2016.58385> (In Persian)
- Zartipour, K. (2012). Factors affecting the living arrangements of the elderly with an emphasis on the need for nursing and daily care in urban areas of Iran 2008-2009. *Master Thesis*. Tehran: University of Tehran, Faculty of Social Sciences.